

بررسی ابعاد و شاخصه های سیاسی - اجتماعی امنیت در فقه سیاسی شیعه اسدالله پاکیان^۱، عبدالرضا ناظری^۲، محمدطاهر شیخی^۳

فصلنامه علمی - تخصصی دانش انتظامی شرق استان تهران
سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۷

صفحه ۲۷-۶۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۲۶

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی ابعاد سیاسی - اجتماعی امنیت در فقه سیاسی شیعه می باشد. این تحقیق از نوع تحقیقات تحلیلی - اسنادی می باشد. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای است که با ابزار فیش برداری از کتابها، مقالات، و... اطلاعات لازم گردآوری شده است. بر اساس یافته های تحقیق امنیت یک نیاز و ضرورت زندگی فردی و اجتماعی است و باید ملتها، دولتها و حکومتها تمام امکانات خود را در جهت گسترش و توسعه آن را بکار گیرند. اسلام و نظام اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست و امنیت یکی از ارکان مهم در دین اسلام است و فقه سیاسی نیز عهده دار تنظیم روابط درونی و بیرونی مسلمانان بر اساس قسط و عدل است. همچنین با مراجعه به منابع و ادله دینی آنچه که آشکار است اینکه جوهره اسلام بر «سلام» و ایمنی است و در روایات اسلامی اسلام مایه امان ذکر شده است. بر همین اساس با توجه به اهمیت و حفظ کرامت و حرمت انسان در اسلام، مهمترین ابعاد و حدود سیاسی اجتماعی امنیت در فقه سیه، تأمین و فراهم سازی زمینه حضور فعال و متعهدانه افراد و نهادهای اجتماعی، در عرصه های سیاسی بر اساس آموزه های وحی و حفظ کیان امت اسلامی است.

واژگان کلیدی: فقه، امنیت، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی، فقه سیاسی شیعه.

^۱ - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا نویسنده مسئول:

as.pazokian@yahoo.com

^۲ - دکترای مدیریت بحران دانشگاه دفاع ملی

^۳ - دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اجتماعی (پژوهشگری)

اهداف تحقیق

الف) هدف کلی: هدف کلی تحقیق حاضر بررسی ابعاد سیاسی- اجتماعی امنیت در فقه سیاسی شیعه می باشد.

ب) اهداف فرعی(جزئی):

- مطالعه ابعاد امنیت سیاسی از دیدگاه فقه سیاسی شیعه
- مطالعه ابعاد امنیت اجتماعی از دیدگاه فقه سیاسی شیعه
-

پیشینه مطالعاتی پژوهش

افتخاری(۱۳۸۳) در تحقیقی به «شرعی سازی قدرت سیاسی؛ درآمدی بر جایگاه امنیت در اندیشه و عمل فقهای شیعه در عصر صفویه» پرداخته است. به اعتقاد نویسنده پس از حاکمیت جریان خلافت و به ویژه پس از تبدیل آن به سلطنت، شاهد محرومیت مکتب تشیع از حکومت بودیم که در نتیجه آن، الگوی «حکومت اغتصابی» به مثابه گفتمان مسلط برای تحلیل شرایط و ارایه راهکار، مطرح شد. اگرچه تسلط این گفتمان به اقتضای شرایط سیاسی مدت مدیدی به طول انجامید، اما ظهور سلسله صفویه، زمینه مناسبی را فراهم آورد تا گفتمانی تازه در حوزه اندیشه سیاسی تشیع ظهور کند که نگارنده از آن به «شرعی سازی قدرت سیاسی» یاد کرده است. این گفتمان مبتنی بر سه اصل می باشد که عبارتند از: اصل اول. جابه جایی در قدرت که دلالت بر تولید قدرت نرم و باز تولید آن در قالب سازمان فقه سیاسی شیعه دارد. اصل دوم. جابه جایی در روش که حاکی از گذار فقهای شیعه از آرمان گرایی صرف به آرمان گرایی متعهد است. اصل سوم. جابه جایی در سازمان فکری قدرت که دلالت بر حضور فقهای شیعه به جای فلاسفه سیاسی در تولید نظریه سیاسی موجد و حامی حکومت دارد.

سلیمانی(۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی «نسبت مصلحت و امنیت در فقه سیاسی شیعه» پرداخته است. به اعتقاد نویسنده فقهای شیعه از چشم انداز مقاصد شریعت به مصلحت نگریسته، آن را ملازم شرع و در دوره متاخر، ملازم حکومت اسلامی مشروع پنداشته اند. درجه بندی و اولویت بندی متعلقات مصلحت در فقه سیاسی

شیعه، دارای پیامدهای آشکاری در حوزه امنیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. درک پیامدهای امنیتی، مستلزم حصول معرفت به نسبت مصلحت و امنیت است. همچنین رکابیان (۱۳۸۹) در رساله کارشناسی ارشد خویش به موضوع «امنیت ملی ایران از دیدگاه فقهای معاصر» پرداخته است. در این رساله، محقق با بررسی دروه-های مختلف تاریخی به این نتیجه رسیده که فقهای معاصر شیعه از طریق بیان مواضع و دیدگاه‌های خود، نقش تعیین‌کننده‌ای در برقراری امنیت ملی ایران ایفا نمودند. علمایی که در طول پایان‌نامه مورد بحث واقع شدند؛ مرحوم محقق سبزواری، مرحوم میرزای شیرازی، مرحوم کاشف‌الغطا، مرحوم حاج ملاعلی کنی، مرحوم شیخ فضل‌الله نوری، مرحوم مدرس، مرحوم حاج آقا نورالله اصفهانی، مرحوم کاشانی و حضرت امام (ره) می باشند. جمالزاده (۱۳۸۷) در مقاله ای به بررسی «معناشناسی امنیت در مکتوبات سیاسی فقهای شیعه در عصر مشروطیت» پرداخته است. به اعتقاد محقق فقهای شیعه در دوره های مختلف تاریخی همواره به دنبال امنیت دینی و سیاسی جامعه شیعی بوده اند و از قواعد و اصول فقهی مختلفی با استناد به قرآن و سیره معصومین در تامین امنیت شیعیان بهره گرفته اند. تقیه، امور حسبیه، مقدمه واجب، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ جامعه اسلامی، از جمله قواعد و اصولی هستند که فقها در اثبات ضروری امنیت برای کشور و جامعه شیعی استفاده کرده اند. در عصر مشروطیت به دلیل ضعف حکومت پادشاهی قاجاریه در تامین امنیت ملی جامعه، فقهای شیعه سه مرجع بزرگ، آخوند خراسانی، مازندرانی، تهرانی و آیت اله نائینی و دیگر فقهای بزرگ شیعی، راه حل تامین امنیت را در همراهی با نهضت مشروطیت دیدند و به تبیین فقهی مشروطه اسلامی پرداختند. مقاله حاضر در صدد تشریح نگاه دینی فقها به مساله امنیت ملی در خلال مکتوبات سیاسی آنهاست و مدعی است که برداشت فقها از امنیت ملی با توجه به دیدگاه های جدید در زمره دیدگاه های سلبی قرار می گیرد.

آکمان و دمیرل^۴ (۲۰۰۶) در مطالعه ای به بررسی «امنیت در اسلام (رویکرد های فکری)» پرداخته اند. گفتمان امنیت در اسلام توسط اکثر امامان شیعه مورد توجه قرار گرفته است ولی در این نوشتار به واکاوی گفتمان های غالب مفهوم و ساختار

امنیت که در رهیافت نبوی، علوی و مهدوی آن مستتر است، پرداخته شده است. آنچه در کلام پیامبراعظم در زمینه امنیت مورد توجه و تعمق است التزام ایشان به کلام وحی و امنیت همه جانبه در بلاد اسلامی و برای عموم شهروندان است. در نگاه ائمه اطهار الگوپذیری ازسیره نبوی و کلام فاخر قرآن در کنار مقتضیات و مصلحت جامعه اسلامی و حق داشتن امنیت و آسایش برای کلیه اتباع سرزمین اسلامی حائز اهمیت است. به اعتقاد محقق ظهور اسلام به مثابه انقلابی تمام عیار و ارایه دهنده گفتمانی تازه و منحصر به فرد است. این گفتمان افزون بر ارایه مفاهیم و ایده های جدید به پالایش و پیرایش مفاهیم محوری و رایج در عرصه سیاست عملی نیز می پردازد که از آن جمله می توان به مفهوم «امنیت» اشاره کرد (آکمان و دمیرل، ۲۰۰۶).

پرسش های تحقیق

الف) پرسش اصلی: دیدگاه فقه سیاسی شیعه درباره ابعاد سیاسی- اجتماعی امنیت چگونه می باشد؟

ب) پرسش های فرعی:

امنیت سیاسی از دیدگاه فقه سیاسی شیعه دارای چه ابعادی است؟

امنیت اجتماعی از دیدگاه فقه سیاسی شیعه دارای چه ابعادی است؟

روش پژوهش

این تحقیق از نوع تحقیقات تحلیلی- اسنادی می باشد، که با استفاده از این روش اسنادی به بررسی ابعاد سیاسی- اجتماعی امنیت در فقه سیاسی شیعه می پردازد. «پژوهش اسنادی، پژوهش مبتنی بر شواهد برگرفته از مطالعه اسناد، مانند آرشیوها یا آمار رسمی است». بنابراین پژوهشگر سعی می کند با بهره گیری از روش اسنادی به گردآوری اطلاعات از اسناد موجود در کتابخانه: کتب، فصلنامه های علمی- پژوهشی، مجلات و همچنین روزنامه و مقالات اینترنتی بپردازد.

روش گردآوری اطلاعات روش اسنادی و کتابخانه ای می باشد که از طریق فیش برداری از کتابها، مقالات، برخی پایانامه ها، گزارش سمینار و اجلاس های بین

المللی در ایران و خارج از کشور، سایت های مرتبط و... اطلاعات لازم گردآوری می گردد. همچنین به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش هایی مانند: ۱- کاهش داده ها (غربالگری)، ۲- دسته بندی، ۳- ارایه داده ها، ۴- ترسیم، ۵- نتیجه گیری استفاده شده است.

جایگاه امنیت در فقه

از آنجا که گزاره های فقهی به شکل "حکم" ارائه می شود و "فقیه" فردی است که حکم موضوعات را از ادله تفصیلی استنباط می کند، لازم است به این نکته پرداخته شود که "امنیت" در فقه چه حکمی دارد؟ نوع آن حکم چیست؟ و تا چه اندازه بر احکام دیگر تأثیر می گذارد. بنابراین بایسته است پیش از تبیین دقیق جایگاه امنیت در فقه، و نوع نگرش فقها به آن، با تعریف و انواع حکم آشنا شویم. حکم در لغت به معنای داوری و قضاوت، (جوهری، ۱۳۸۹: ۱۹۰۱) قضاوت از روی عدل و انصاف، (ابن منظور، ج ۱۲: ۱۴۱). قضاوت ایجابی یا سلبی درباره چیزی (الزبیدی، ج ۸: ۲۵۲)، و منع و بازدارندگی برای اصلاح، به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

حکم در اصطلاح فقهی، در معانی گوناگون استعمال شده است: سید محمدباقر صدر می گوید: حکم شرعی، قانونی است که از سوی خدای متعالی برای نظم بخشیدن به حیات انسانی صادر شده است، و خطابه های شرعی در کتاب و سنت، حکم را روشن می سازد و از آن پرده برمی دارد. گرچه خود خطابات، حکم شرعی نیستند. این تعریف، شامل احکام تکلیفی و وضعی می شود. در تعریفی دیگر، حکم جامع هر نوع حکم حکومتی دانسته شده است: حکم، انشای نافذ از طرف حاکم اسلامی - نه از جانب خدای متعالی - است. حال آن حکم، حکم شرعی باشد یا وضعی و یا موضوع حکم شرعی و وضعی در یک شیء خاص باشد (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۴۸۳). این برداشت از مفهوم حکم، بسیار وسیع تر از حکم قاضی است؛ زیرا حکم قاضی، تنها موارد نزاع و خصومت را شامل می شود، ولی احکام حکومتی، دربردارنده مسائلی غیر از مورد نزاع نیز هست؛ مانند حکم حاکم به دیدن هلال. در اصطلاح حقوقی، به رأی دادگاه درباره ماهیت دعوا، که به قطع آن منجر شود، "حکم" اطلاق می شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۶: ۲۴۲).

در دیدگاه فقه‌های شیعه حاکم اسلامی وظیفه حفظ کیان مملکت اسلامی از سلطه بیگانه بر فرهنگ و سیاست و اقتصاد جامعه را دارد و باید حافظ استقلال کشور و نظم و امنیت در جامعه باشد تا بدین ترتیب زمینه لازم برای ترویج شریعت اسلامی فراهم شود. به همین جهت در متون فقهی شیعه نیز به این مسئله توجه ویژه شده است و فقها از عباراتی نظیر «حفظ بیضه اسلام» که از آن می‌توان حفظ وطن و شریعت اسلامی تعیین کرد، استفاده می‌کنند و در ابواب مختلفی از کتب فقهی خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مباحث امنیتی اشاره کرده‌اند. ابواب فقهی نظیر جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، قضاء، غصب، حدود و دیات، لقطه و قصاص، حاوی ملاحظات امنیتی زیادی است (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۲۶۸).

در این ابواب فقهی به ابعاد مختلف امنیت ملی توجه و برای آن‌ها مصادیق متنوعی ذکر شده است که به خوبی نشان می‌دهند اسلام و مذهب تشیع تا چه میزان حتی به مسائل ریز امنیتی توجه داشته است؛ به مسائلی مانند حفظ امنیت کافر حربی که به جنگ با مسلمانان آمده است در صورت امان خواستن از مسلمانان یا توجه به امنیت مسائل زیست محیطی و قطع نکردن درختان در هنگام جنگ. فقیهان شیعی به این ظرائف دینی دقت بسیار دارند و از درون آن‌ها قواعد فقهی مهمی استخراج کرده‌اند. آن‌ها در خلال مباحث فقهی خود گاهی به صورت مستقیم و آشکار مانند باب جهاد و امر به معروف و گاهی به صورت غیرمستقیم و در حاشیه مباحث دیگر به طرح انواع مختلف امنیت پرداخته‌اند و راه‌های تحقق آن‌ها را در جامعه نیز پیشنهاد داده‌اند.

ابعاد امنیت سیاسی در فقه شیعه

ارتباط سخت و تنگاتنگی که میان فقه سیاسی، که تنظیم‌کننده روابط اجتماعی مسلمان‌هاست و امنیت وجود دارد، سبب شده است که بخش‌پذیری امنیت بر حسب بخش‌پذیری روابط مسلمان‌ها باشد. به هر مقداری که بتوان روابط را بخش و تقسیم نمود، به همان مقدار می‌توان امنیت را بخش و تقسیم کرد. زیرا در کنار هر بخشی از رابطه، بخشی از امنیت باید باشد و تا امنیت متحقق نشود آن رابطه نیز به وجود نخواهد آمد و از آن جایی که می‌توانیم روابط را به انواع گوناگونی مانند:

روابط سیاسی، اقتصادی، قضایی، اداری، نظامی و خارجی ارائه نماییم، امنیت را نیز می توانیم به همین بخش ها تقسیم نماییم. فقه سیاسی، عهده دار ایجاد امنیت در تمام بخش های روابط است و در این راستاست که ارتباط مستقیم فقه سیاسی با امنیت روشن می شود.

رابطه امنیت و سیاست خارجی

مساله امنیت بدون توجه به مبانی سیاست خارجی در اسلام ناقص خواهد ماند. در فقه سیاسی شیعه نیز اعتقاد کلی بر این است که این آیین در همه زمینه ها از جمله نظام حکومتی، که خود سیاست خارجی را نیز شامل می شود، نظر و برنامه دارد. قبل از پرداختن به اصول سیاست خارجی در فقه شیعه، لازم است تا مفهوم «منافع ملی» یا «مصالح جامعه اسلامی» روشن گردد. همان طوری که گفته شد، واژه های ملی و ملیت، اصطلاحات نوینی هستند که در عرصه روابط بین الملل ظهور کردند. اسلام دینی است فراگیر، جهانی و همیشگی که برای مرزهای ملی ارزش ذاتی قائل نیست. به همین دلیل، «حفظ منافع ملی» نمی تواند به عنوان اصل اولیه سیاست خارجی اسلام ملحوظ گردد. به عبارت دیگر، در عرف بین المللی، مفاهیم مرز، حاکمیت ملی و جمعیت و تابعیت تعاریف خاص خود را دارد که در اسلام برای مفاهیم یاد شده، تعاریف دیگری در نظر است. همچنین شالوده سیاست خارجی در اسلام، بر قواعد الزام آور حقوقی در فقه استوار است و فقه برای بنیادهای ملیت، ارزش حقوقی قائل نیست؛ ضمن اینکه اصل حفظ منافع ملی، زیر بنایی ترین و کلی ترین اصل سیاست خارجی عرفی حاکم است. لذا، اصول دیگر تماماً رنگ حفظ منافع ملی را به چهره دارد؛ لکن در فقه سیاسی شیعه اصل دیگری به نام حفظ دارالاسلام حاکم است که اصول دیگر در پرتو آن رنگ می گیرد (قادری، ۱۳۸۶: ۲۲۶-۲۲۵).

با این تفسیر، امنیت ملی نیز در فقه سیاسی شیعه مفهوم خاصی پیدا کرده. و کلمه امت به جای واژه ملت می نشیند و امنیت یک کشور اسلامی به امنیت کل جهان اسلام وابسته می گردد. به عبارت دیگر، در برداشت فقهی، امنیت امت اسلامی به جای امنیت ملی و مصالح جامعه اسلامی، به جای منافع ملی گسترش می یابد. به

هر تقدیر، می توان مبانی سیاست خارجی در فقه سیاسی شیعه را در سه اصل کلی زیر خلاصه نمود:

الف) حفظ دارالاسلام در مقابل دارالحرب، دارالکفر و دارالمعاهد

در فقه سیاسی شیعه تمامی ارتباطات امنیتی- اقتصادی خارجی باید در راستای این اصل تنظیم گردد. مسائلی از قبیل: حسن همجواری، خرید و فروش تسلیحات، تجهیز قوا، جهاد تدافعی، مناسبات سیاسی، تجاری و اقتصادی با دول و سازمانهای دیگر که موجب امنیت و جلب حمایت دیگران و کمک به بشریت در جهت رسیدن به آرامش و همزیستی مسالمت آمیز است، در زیر مجموعه حفظ دارالاسلام جای دارند (خوشفر، ۱۳۸۸: ۹۷).

ب) اصل دعوت

اصل دعوت در اسلام به خوبی مؤید طرح تکاملی انسان به سوی حرکت در جهت ایجاد امت واحده جهانی است و به این ترتیب، خواستار برقراری پیوند میان امنیت جامعه اسلامی با جوامع دیگر است. قرآن کریم می فرماید: «یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم». علاوه بر اسلام، تمامی مکاتب دینی و سیاسی دیگر نیز به اصل دعوت اهتمام خاصی دارند. فلسفه وجودی بسیاری از ارتباطات نوین امروزی (رادیوها،...) مبتنی بر اصل دعوت است. در دیدگاه فقه سیاسی شیعه، اجتناب از این اصل نه تنها دارالاسلام را با خطر اضمحلال مواجه می سازد؛ بلکه عقوبت اخروی نیز در انتظار خواهد بود. این اصل از چنان اهمیتی برخوردار بود که جزء اولین وظایف اجتماعی هر پیامبری به شمار می رفت (خوشفر، ۱۳۸۸: ۹۷).

ج) اصل نفی سبیل

این اصل مبتنی بر اقتدار اسلام و اعتلای آن بر دیگر مکاتب است. «الاسلام یعلوا و لایعلی علیه». به عبارت دیگر، ولایت کفار بر مسلمانان در اسلام جایز و پسندیده نیست. بر طبق این اصل، اگر در معاهده ای (اقتصادی - امنیتی) حیثیت دارالاسلام لحاظ نشده باشد، آن معاهده ملغی می باشد. با توجه به مبانی و اصول سیاست خارجی اسلام، مشخص می گردد که این مساله در چارچوب بنیانهای ملی، منطقه ای، نژادی یا جغرافیایی محصور نمی ماند؛ بلکه رسالتی جهانی و پیام آن برای همه جهانیان است. از نظر فقیه سیاسی شیعه نیز، وضع موجود و حاکم بر سیاست جهانی

از قبیل حاکمیت زور و محرومیت ملل مستضعف مردود است. در واقع، هدف نهایی اسلام استقرار کامل ارزشهای الهی در کل جهان است. بر این اساس است که نظام حکومت اسلامی از لحاظ آرمانی باید خود را نسبت به تمام مسلمانان و محرومان جهان متعهد بداند. علاوه بر این دیدگاه آرمانی، فلسفه جهاد در راه اسلام، راهگشای بسیاری از مسائل در سیاست خارجی حکومت اسلامی است. همان طوری که قبلاً دیدیم، امر جهاد تدافعی در زیر مجموعه اصل حفظ دارالاسلام آورده شد؛ بنابر این، مهمترین فلسفه وجودی جهاد در چارچوب این اصل قرار می گیرد (ربیع، ۱۳۸۷: ۹۸).

امنیت قضایی

اعتماد شهروندان به قوه قضائیه توانمند و سالم و احترام و التزام به قانون و تساوی تمام افراد جامعه در برابر قانون، امنیت قضایی را تشکیل می دهد (انفال، ۷۲). برای برقراری همه جانبه امنیت در اجتماع، به دستگاه قضایی هوشیاری نیاز است که بتواند قوانین قضایی را پیاده کند. دستگاه قضایی باید توانا، عدالت گستر باشد تا بتواند جریاناتی که در جامعه اتفاق می افتد، درک کند. پناه مظلومان، ضد ظالمان و توانا بر متجاوزان و مهربان با خطا کاران باشد، البته در جایی که باید مهربانی داشته باشد. شهروندان نیز باید به وجود چنین دستگاه قضایی اطمینان داشته باشند و آن را در هنگام ستم دیدگی و رنج، پناه گاهی مطمئن بدانند.

قضاوت دادگستر و تلاش گر زمانی نقش خود را ایفا می کند که به قوانین و نظام دادگستری متکی باشد تا بتواند خود را با جریانات جامعه و آن چه آزادی فرد و سلامت جامعه را تضمین می کند، هماهنگ باشد. و نیز هماهنگی با قوانین و نظام قضایی در زمانی تحقق می یابد که شهروندان آن ها را با جان و دل پذیرا باشند و آن قوانین و نظام را ابزاری برای برداشتن ظلم و انحراف بدانند. و این باور با تربیت درست که دل و اندیشه انسان را در عدالت پذیری و عدالت گستری قرار دهد، تحقق می یابد. قرآن در اجرای عدالت و ترغیب به آن می فرماید: «ان الله یامرکم ان تودوا و الامانات الی اهلها و اذا حکمتکم بین الناس ان تحکموا بالعدل؛ همانا خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانشان برگردانید و هرگاه میان مردم حکم و قضاوت می کنید، آن را با عدالت اجرا نمائید» (نساء، ۵۸).

«یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهدا بالقسط و لا یجرمنکم شنئنا قوم علی ان لاتعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی؛(المائدہ، ۸) این کسانی که ایمان آورده اید در راه خدا استوار و پایدار باشید و برای سایر ملل شما گواه بر عدالت و راستی و درستی باشد و دشمنی گروهی سبب نشود که عدالت را اجرا نکنند، عدالت را اجرا کنید که به پرهیزگاری نزدیک تر است.» در روایات، عدالت و تساوی افراد در برابر قانون، از پایه های اساسی قضاوت به شمار آمده است، امام صادق(ع) فرمود: هر کس گرفتار قضاوت شد، باید در اشاره و نگاه کردن و محل نشستن، تساوی را رعایت کند.

عدالت در قضاوت به قاضی حق نمی دهد یکی از دادخواهان را بر دیگری برتری دهد و یا راه پیروزی بر طرف دیگر را به او نشان دهد. امام خمینی در عدالت و تساوی افراد در برابر قانون چنین می گوید: «وظایف قاضی چند امر است: واجب است میان دادخواهان تساوی بر قرار کند؛ هر چند از نظر مقام متفاوت باشند. و این تساوی در چند چیز تحقق می یابد؛ در سلام کردن بر آن ها، پاسخ گفتن به سلام آن ها، نگاه کردن به آن ها، سخن گفتن با آن ها، ساکت شدن در برابر آن ها، خوش رویی کردن با آن ها و دیگر مراسم آداب و احترام که باید رعایت شود. و اجرای عدالت در میان آن ها واجب است»(حرعاملی، ۱۳۸۹، باب ۳). و در چگونگی اجرای عدالت در قضاوت چنین می گوید: «قاضی نمی تواند به یکی از دادخواهان چیزی را بیاموزد. که بتواند بر دیگری پیروز شود و نمی تواند کیفیت استدلال و دست یابی به راه پیروزی بر طرف را به یکی از آن ها بیاموزد اگر دادخواهان یکی پس از دیگری وارد شوند باید در آغاز، به دادخواهی اولین فرد که وارد شده است گوش فرا دهد مگر اینکه وی به مقدم شدن دیگری رضایت دهد و در میان دادخواهان تفاوتی نیست که در یک رتبه باشند و یا متفاوت در رتبه باشند مرد باشند یا زن»(امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۰۹).

فقه شیعه با اجرای کامل عدالت در قضاوت و با داشتن کیفرهای مناسب با هر خیانت که گذشته از اجرای عدالت و کیفر شدن جنایت کار هدف دیگری را نیز دنبال می کند و آن پاکسازی جامعه از جنایت و درمان این درد اجتماعی است و هدایت کردن و رسانیدن جنایتکاران به راه سعادت و کمال می باشد دستگاه قضایی

را ایجاد کرده که پناهگاه مظلومان و رنج دیدگان است و امنیت قضایی را در بالاترین مراتب ایجاد نموده است.

رابطه قدرت و امنیت

در مباحث سیاسی و همچنین در عمل، مفهوم امنیت از مفهوم قدرت جدایی ناپذیر است. در طول تاریخ، مساله قدرت ملل همیشه از طریق جنگها مورد آزمون قرار گرفته است. در فقه شیعه نیز توسل به جنگ و اعمال قدرت فقط برای دفاع از جان، مال، ناموس، مسکن، آزادی، استقلال و مرام سایر افراد ملت جایز است و اقدام به آن، چه در حالت تدافعی و یا در وضعیت آزادی بخش منوط به مفروض بودن تجاوز و هجوم و یا قصد به تهاجم و اقدام خصمانه از سوی دشمن است؛ ضمن اینکه مساله جهاد و آمادگی برای آن، یکی از وظایف و شئون اصلی امامت است و انجام آن منوط به اجازه امام است. با ملاحظه این اصل است که اسلام غیر از جهاد، اقسام دیگر جنگها را منسوخ کرده و فقط جنگی را مشروع و صحیح دانسته که در راه خدا و به منظور رفع تعدی و تجاوز و تخطی باشد. پس می توان استنباط نمود که دکترین نظامی در اسلام ذاتا تدافعی است و نه سلطه جویانه و تهاجمی. با این حال، این اصل بدین مفهوم نیست که در حکومت اسلامی به آمادگی قوای نظامی توجه نباید شود (کاظمی، ۱۳۸۹: ۱۲۴-۱۲۳). در اینجا است که مساله اهمیت قدرت در اسلام مشخص تر می گردد. در اسلام منشا قدرت و حاکمیت، خداوند است و هیچ قدرتی نیز جز به خواست خدا و از جانب او وجود ندارد. به عبارت دیگر، هیچ صاحب قدرتی مستقلا در عالم وجود ندارد و همه قدرتها به موهبت الهی در سلسله مراتب ولایت و حاکمیت پدید می آید. بر طبق اعتقادات تشیع، قدرت در حوزه ولایت تشریعی به ولی یا حاکم تفویض می گردد و ولی می تواند در تمام ابعاد اجتماعی، اعم از سیاسی، نظامی، دینی اعمال قدرت کند. علاوه بر دارنده قدرت، در اسلام، کیفیت و کمیت آن نیز بسیار مهم می باشد. در اینجا است که بحث قدرتمندی دولت اسلامی مطرح می گردد. تاکیدات اصلی اسلام در زمینه قدرت، عمدتا شامل خصایص روحی و معنوی قدرت است. ایمان مؤمنین و عمل صالحین و علم مسلمین از مهمترین منابع قدرت در اسلام است. توجه به تاریخ صدر اسلام نیز گویای چنین امری است.

در واقع جنگهای پیامبر(ص) نشان می داد که قدرت لشکریان مسلمان در صدر اسلام نه در برتری اسلحه شان بود و نه در امتیازات سازمان؛ بلکه به برتری اخلاق و روحیه شان وابسته بود. تضعیف این روحیه توکل در اواخر دوره حیات پیامبر(ص) بود که خداوند می فرماید در حالی که قبلا هر سرباز اسلام می توانست در برابر ده سرباز کفر بجنگد، الآن فقط می تواند در برابر دو سرباز آنها استقامت نماید(انفال ۶۵-۶۶). به هر تقدیر، اسلام به آمادگی دفاعی و نظامی مسلمین نیز برای حفاظت از امنیت امت اسلامی، تاکید می کند. قرآن در آیه ای ۷۱ سوره نساء می فرماید: «ای اهل ایمان! سلاح جنگ بر گیرید و آنگاه دسته دسته یا همه به یکبار متفق برای جهاد بیرون روید.» اسلام با درک واقع بینانه اش از تزویر و تمهیدات سلطه گرانه حکومتهای استعماری و خودکامه، بر ضرورت تحکیم و تقویت استعداد و قدرت نظامی مسلمانان تاکید بسیار دارد: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخيل ترهبون به عدو الله و عدوكم و اخرين من دونهم لاتعلمونهم الله يعلمهم»(الانفال، ۶۰). توجه به عامل قدرت برای حکومت اسلامی محصور به دیدگاههای قرآنی و ائمه اطهار نیست. متفکران اسلامی نیز در این مساله غور و بررسی نموده اند. از جمله کسانی که شاید بیشتر از همه متفکران مسلمان در باب مساله قدرت اندیشه کرده باشد، ابن خلدون است. وی تا حدی بر خلاف اکثر متفکرین قدیم اسلامی که بیشتر به دنبال تشریح آرمانهای اسلامی بوده اند، واقع بینانه تر و عینی تر با مسائل اسلامی بر خورد کرده است. شاید این بدلیل روش شناختی خاصی است. که ابن خلدون انتخاب کرده بود و آن، نظریه پردازی بر حسب عینیات علوم اجتماعی بود. به هر تقدیر، در نزد ابن خلدون، دولتی می تواند موجب تامین خود و جامعه خود باشد که اولاً خودکامه باشد و ثانياً هر نوع اختلالی را در درون نظام، به سادگی از بین ببرد. عصبیت بالای دولت، روحیه جوش و خروش و جهانگیری و غلبه، حمیت جمعی و دفاع مشترک، تعداد زیاد کارگزاران، جمعیت زیاد، وسعت قلمرو و خاک، رفاه و توانگری، رابطه متقابل بین دولت و مردم، کسب آداب و سنن، باج و خراج ستانی دولت و تمدن سازی، از ویژگیهای دولت قدرتمند در نظر ابن خلدون است؛ ضمن اینکه نداشتن عصبیت و روح یادگیری، کمی حد و ثغور، تعارض بین سلطان و دربار

در اداره جامعه و نداشتن نیروی نظامی قوی برای مقابله با تهاجمات، از ویژگیهای دولت ضعیف می باشد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۴: ۳۱۸).

امنیت نظامی

امنیت نظامی در فقه سیاسی شیعه با امنیت نظامی در سیاست غیر اسلامی تفاوت بسیار دارد. در دیدگاه سیاستمداران غیر مسلمان، امنیت به معنای تحصیل قدرت و زورمندی بر دیگر ملت هاست و به دست آوردن قدرت، ابزار و اهداف امنیت را در سلطه خویش قرار می دهد. نتیجه این دیدگاه بر این قرار می گیرد که یک دولت با شرایط ویژه و یا چند دولت هم پیمان به کشمکش قدرت می افتند. به اعتقاد «میرا»: تا چند دهه پیش، مقوله امنیت دارای محدودیت هایی بود و مسائل امنیتی یک کشور معمولاً در چارچوب سخت افزار نظامی در نظر گرفته می شد. این تفکر باعث بروز جنگ ها، درگیری های مسلحانه و در نهایت، به خطر افتادن امنیت بخش های وسیعی از جهان شد. به فاصله یک نسل، دو جنگ جهانی رخ داد و هر چندگاه مناقشات منطقه ای بسیاری به وقوع پیوست (احمدیان فر، ۱۳۸۳: ۷۴).

امنیت نظامی در دیدگاه فقه شیعه به صورت جهاد دفاعی تبلور یافته که این جهاد با هدفی مقدس، امنیت را در ملت اسلام عملی می نماید. جهاد دفاعی بر چند نوع است:

۱- دفاع از کشور اسلامی و اموال مسلمان ها در زمانی که کافران تهاجم کرده باشند و ترس استیلای آن ها بر کشور اسلام و اموال مسلمان ها وجود داشته باشد؛
 ۲- دفاع از اسلام در زمانی که کافران برای نابود کردن دین و اصل اسلام، به جامعه اسلامی هجوم آورده باشند. برخی از فقیهان این دو قسم را یک قسم دانسته اند و آن ها را یک جا بیان کرده اند؛ لیکن موضوع آن ها با هم تفاوت دارد و می توان آن ها را متفاوت دانست؛ هر چند از نظر حکم فقهی یکی هستند و میان آن ها تفاوتی نیست؛

۳- دفاع از نفس محترم مسلمان و یا کافر ذمی که در خطر افتاده است؛

۴- دفاع اسیر از خود در میان دشمنان کافر؛

۵- دفاع از امام معصوم(ع) در هنگامی که مورد تهاجم دشمن قرار گیرد(شهید ثانی، ۱۳۸۸: ۳۲۹).

در فقه شیعه، جهاد دیگری به نام جهاد ابتدایی وجود دارد که هدف آن، نابودی نیروی طاغوت و نجات مستضعفین است. سرکشانی که از شنیدن کلمه حق روگردانی دارند و از رسیدن مردم به حق جلوگیری می کنند و سد راه هدایت مردم می شوند، یا باید هدایت شوند و یا از سر راه برداشته شوند تا زمینه شکوفایی ایمان در دل های توده های مردم پیدا گردد و رشد کند. این نوع از جهاد دارای شرایط ویژه ای است که در هر زمان و بر هر شخصی لازم نیست. یکی از شرایط آن، وجود امام معصوم(ع) است و البته در زمان غیبت امام، اجرای این نوع از جهاد مشروع نیست. امام خمینی(ره) چنین می گوید: «در عصر غیبت ولی امر و سلطان عصر (عج) نواب عام آن حضرت که فقیهان جامع شرایط فتوا و قضا هستند، قائم مقام او هستند در اجرای سیاست ها و تمام وظایفی که امام(ع) دارد، مگر جهاد ابتدایی.»(امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۸۲).

این نوع از جهاد بر تمام افراد مسلمان و از جمله زنان واجب نیست. اما در جهاد دفاعی، وجود امام معصوم لازم نیست و برای دفاع از اسلام و دفاع از کشور اسلام و جان و مال مسلمان ها، همه باید برخیزند؛ مردان، زنان، پسران، دختران و بالاخره هر کس که قدرت دفاع از جامعه اسلامی را داشته باشد. شهید ثانی در کتاب الروضه البهیة می گوید؛ در جهاد دفاعی، وجود امام معصوم شرط نیست و هرگاه دشمن بر مسلمان ها حمله برد و یا اسلام در خطر باشد. دفاع واجب است و اذن امام معصوم و نائب او لازم نیست و اگر دشمن بر گروهی از مسلمان ها هجوم کند، بر خود آن ها دفاع واجب است و اگر توانایی دفاع را نداشته باشند، بر همسایگان آن ها لازم است آن ها را کمک دهند و دشمن را برانند و اگر همسایگان آن ها توانایی نداشته باشند، بر تمام مسلمان ها واجب است از آن ها دفاع کنند(شهید ثانی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۳۰). و نیز می گوید؛ در جهاد دفاعی، قیام بر همگان واجب است؛ مردان، زنان، سالم، مریض، نابینا، برده و تمام افراد مسلمان.

امام خمینی در این زمینه چنین می گوید؛ اگر دشمن به کشور اسلامی و یا به مرز آن وارد شود و از ورود او بر اصل اسلام و یا بر ملت مسلمان ترس باشد، واجب است

با هر وسیله ای که در اختیار دارند، از مال و جان خود دفاع کنند و در این دفاع، حضور امام(ع) و یا اذن او شرط نیست(شهید ثانی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۳۰).

ابعاد اجتماعی امنیت در فقه شیعه

آسایش همگانی امت اسلامی و اطمینان آن ها در حفظ ارزش های همگانی امنیت اجتماعی نامیده می شود و هر چیزی که این آسایش و اطمینان را تهدید نموده و با آن در معارضه باشد، خلاف امنیت اجتماعی است و تفاوتی ندارد که آن تهدید به دلیل کارهای غیر قانونی دولت باشد و یا گروهی از مردم و یا فردی از افراد مردم. نکته دیگر این که، در میان افراد جامعه اسلامی که در روایات به اعضای یک بدن تشبیه شده اند، پیوند بسیار عمیقی وجود دارد و سعدی نیز شعر معروف خود را از آن روایات اقتباس کرده است که می گوید:

بنی آدم اعضای یک دیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی بدرد آورد روزگار دیگر عضوها را نماند قرار

به همین دلیل، تهدید بخشی از امت نیز امنیت اجتماعی را در خطر می اندازد و برای از میان رفتن امنیت اجتماعی، تفاوتی نیست که تهدید نسبت به تمام افراد جامعه باشد و یا برای بخشی از آن ها.

پیوند و یگانگی در میان جامعه اسلامی در آیات و روایات بی شماری ارائه شده است که از میان آن ها می توان به این آیه اشاره کرد: «و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا و اذكروا نعمت الله عليكم اذ كنتم اعدا فالف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمه اخوانا و كنتم على شفا حفرة من النار فانقذكم منها كذلك يبين لكم آياته لعلكم تهتدون»(آل عمران، ۱۰۳) و همگان به ريسمان خدا در آویزید و پراکنده نشوید و به یاد آورید نعمت خدا را بر خودتان زمانی که دشمن یکدیگر بودید و او در میان دل های شما الفت انداخت و به برکت نعمت او با یکدیگر برادر شدید و شما در پرتگاه حفرة ای از آتش بودید، خدا شما را از آن جا برگرفت و نجات داد این چنین خداوند آیات خود را بر شما آشکار می سازد شاید هدایت شوید»(مهریزی، ۱۳۸۹: ۶۷-۶۵).

در این آیه به یگانگی و برادری همگانی اجتماعی ملت اسلام که در سایه رعایت حقوق همگانی به دست آمده، اشاره شده است. و نیز تعیین حقوق و حدود مفاهیم آن ها و لزوم رعایت و پیاده کردن آن ها در عهده فقه سیاسی است. از این رو، رعایت حقوق همگانی و حفظ ارزش های عمومی در عهده فقه سیاسی است و با رعایت این حقوق است که امنیت اجتماعی به دست می آید (حکیمی و حکیمی، ۱۳۸۰: ۲۵۳).

پدیده های اجتماعی- انسانی پیچیده تر از آن هستند که بتوان از منظر یک تئوری و روش شناسی واحد، به تحلیل و تبیین آن ها پرداخت. بر همین اساس نیز فقیهان شیعه نیز امنیت اجتماعی در فقه سیاسی شیعه را از ابعاد مختلفی مورد مطالعه قرار داده اند. بی تردید از نشانه های آشکار اجتماعی بودن دستورات فقه شیعه و از راهکارهای جدی ایجاد همبستگی ملی و مشارکت عمومی در آن، ضرورت حفظ روابط اجتماعی و نهی از دوری گزیدن از اجتماع و گوشه نشینی و افزایش امنیت در این آیین آسمانی است. همچنین تعاون و همکاری در کارهای خیر و گریز از همکاری و مشارکت در کارهای شر و بد، از دیگر تعالیم فقه اجتماعی شیعه در زمینه ایجاد امنیت است. بنابراین، اگر در لایه های زیرین جامعه، این همکاری و همیاری به هموعان خویش نهادینه شود، شاهد جامعه ای یکدست، یک رنگ و منسجم خواهیم بود که کمتر افراد جامعه احساس رنج، درد و گرفتاری فردی و اجتماعی می کنند. از دیگر آموزه های اجتماعی فقه شیعی برای ایجاد همبستگی ملی و مشارکت عمومی، اهتمام به امور دیگران و تلاش برای حل مشکلاتشان است. فریضه اهتمام به امور مسلمانان قلمرو کوششهای هر مسلمان را توسعه می دهد و او را از کوشش برای خود به کوشش برای دیگران برمی انگیزد و میان فرد و اجتماع پیوندی ناگسستنی برقرار می سازد. امام خمینی به منظور ایجاد امنیت در جامعه اسلامی وجود قانون و پایبندی به آن را الزامی می داند. همچنین وجود یک حکومت مقتدر تا بتوان در پناه آن به خوبی قانون را اجرا نمود. در مباحث بعدی به بررسی برخی از این ابعاد پرداخته می شود.

امنیت فرهنگی

از ارکان و پایه های زیر بنایی و اساسی امنیت اجتماعی، نگهداری فرهنگ درست و ارزشمند گذشتگان و نیاکان است که این فرهنگ در اثر مبادی اخلاقی اجتماعی دینی به دست آمده است؛ فرهنگی که با گذشت زمان و پیشرفت علوم به تکامل می رسد و با حدوث مفاهیم جدید و تازه ای، خود را در راه تعالی و دفاع از فرهنگ های بیگانه هماهنگ می سازد. و از میان تمام فرهنگ ها، فرهنگ دینی نقش بنیادی خود را دارد. فرهنگ دینی می تواند میان گویش های گوناگون، گروه های متفاوت و ملت های مختلف وحدت و یگانگی ایجاد کند.

اجتماعی که اسلام را پذیرفته است؛ زبان، گویش، نژاد، منطقه جغرافی و دیگر تفاوت هایی را که در جوامع بشری وجود دارد، تنها برای شناخت و شناسایی افراد قرار می دهد و تنها امتیاز را در نزد خداوند، داشتن مراتب تقوا می داند و باید به این نکته نیز توجه داشت که تعدد ادیان در جوامع بشری، نباید سبب اختلاف و تفرقه در میان آن ها باشد. ادیان متعددی که از طرف خدا به منظور ارشاد مردم آمده است، برای ایجاد تنافر و تفرقه میان آحاد بشر نیست تعدد آن ها برای تکامل رسالت های آسمانی است. در قرآن کریم آیات بی شماری آمده که فرستادن قرآن را برای تصدیق و گواهی به درست بودن کتب سماوی پیشین قلمداد کرده است (حرعاملی، ۱۳۸۹: ۴۱۵).

فقه شیعه، محافظ و نگهدارنده فرهنگ اسلام است و پس از ایجاد این فرهنگ، در حفظ و نگهداری آن تلاش دارد. فقهای شیعه در تاریخ فقهات، دفاع از فرهنگ اسلام را واجب دانسته اند؛ همان گونه که دفاع از کشور اسلامی و جان و مال مسلمان را نیز واجب دانسته اند. امام خمینی چنین می گوید: «اگر ترس این باشد که دشمن می خواهد استیلای سیاسی و یا اقتصادی برحوزه اسلام داشته باشد و در نتیجه مسلمان ها را به اسارت سیاسی و اقتصادی برساند و یا اسلام و مسلمین را ناتوان کند، واجب است بر تمام مسلمان ها با وسائل مشابه با آن ها به دفاع برخیزند و با مقاومت های منفی مانند: نخریدن کالای آن ها، مصرف نکردن تولیدات آن ها و ترک ارتباطها، تسلیم خواسته آن ها نگردند». «اگر یکی از دولت های اسلامی با بیگانگان رابطه ای برقرار سازد که مخالف با مصلحت اسلام و مسلمین باشد؛ واجب

است بر دیگر دولت ها که آن قرار داد را باطل کنند» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۴۸۵). «هر کس نگاه اجمالی به احکام نماید و گسترش آن ها را در تمام شوون جامعه نماید، از عبادت ها که وظیفه و ارتباط بندگان و آفریننده آن هاست مانند: حج و نماز هر چند در نماز و حج نیز جهات اجتماعی و سیاسی هست که در ارتباط با زندگی آن هاست و مسلمان ها از این جهات غافل مانده اند. دشمنان و کارگزاران آن ها در کشورهای اسلامی در طول تاریخ در ذهن جوانان و پیران ما تزریق کرده اند که اسلام تنها نماز و روزه است و مسائل اجتماعی و سیاسی دفاعی ندارد، تا بتوانند اسلام و مسلمان های راستین را از چشم جوانان و دانشجویان ما بیاندازند و در جامعه اسلامی ایجاد شکاف نمایند. بر مسلمان ها و در طلیعه آن ها روحانیان و طلاب علوم دینی واجب است که بر ضد تبلیغات دشمنان اسلام با هر وسیله ای که در اختیار دارند. قیام کنند و روشن کنند که اسلام برای تأسیس حکومت عادلانه بر پا شده است» (امام خمینی، تحریر الوسیله، ۱۳۸۵: ۴۸۶).

در این بیان، می توان به دو نکته اساسی در فرهنگ اسلامی اشاره کرد: ۱- گسترش فرهنگ اسلام در تمام شوون زندگی و تأمین سعادت دنیوی و اخروی تمام افراد جامعه و رسانیدن آن ها به اوج کمال و عزت و سیادت است؛ ۲- لزوم دفاع مسلمان ها در برابر هجوم دشمنان به فرهنگ اسلام و تبلیغات سوئی که نسبت به آن دارند. زمانی که دشمن به فرهنگ اسلام هجوم آورد و آن را تهدید نماید، مسلمان ها باید با هر وسیله ای که در اختیار دارند، به دفاع برخیزند و از آن نگهداری نمایند. اگر کسی بگوید چرا حفظ فرهنگ اسلام لازم است؛ و چرا ما نباید فرهنگ دیگر ملت ها را به ویژه فرهنگ غربی را بپذیریم؛ پاسخ آن است که فرهنگ غرب که نتوانسته است جامعه خود را به کمال برساند و از خیانت، جنایت، زشتی و آلودگی پاکسازی کند، چگونه می تواند جوامع دیگر را هدایت نماید.

و البته وارد کردن این فرهنگ به جوامع اسلامی، از راه دلسوزی و ارشاد و هدایت آن ها نیست؛ بلکه راهی است برای نابود کردن اسلام، ناتوانی مسلمان ها؛ به اسارت گرفتن آن ها و صدور استعمار نو به کشورهای اسلامی.

بر این اساس، امام خمینی دفاع از فرهنگ اسلام را لازم دانسته و جلوگیری از صدور استعمار غرب و بیگانگان را واجب کرده است. وی چنین می گوید: «اگر در ارتباط

بازرگانی و غیر آن، ترس آن باشد که بیگانگان استیلای سیاسی برحوزه اسلام و کشورهای اسلامی پیدا می کنند و در نتیجه، مسلمان ها را استعمار کرده و یا کشورهای آن ها را مستعمره خویش نمایند، هر چند به شیوه استعمارنو باشد، واجب است بر تمام مسلمان ها که از آن ارتباط کناره گیری نمایند و به کارگیری آن ارتباط و قرار داد حرام است» (فاضل هرندي، ۱۳۸۵، ج ۲، ۴۵۹). امام خمینی بر مسلمانان واجب دانسته است که در برابر تهاجم فرهنگی بایستند و این ایستادگی را جهاد دفاعی دانسته است و آن را بر تمام افراد مسلمان واجب دانسته و هر وسیله ای که در اختیار آن هاست باید به کار گرفته شود تا از صدور فرهنگ بیگانه جلوگیری شود.

اموری که فرهنگ اسلام را تهدید می کند و آن را به خطر می اندازد، عبارت است از: تأسیس گروه و انجمن های وابسته به دشمن در جامعه اسلامی، ترور شخصیت های اسلامی، جدا سازی مردم از حکومت اسلامی، نفوذ در نهادهای اسلامی، روابط بازرگانی و دیگر روابط بین المللی، به مصرف گرایی کشاندن مسلمان ها از تولیدات خارجی، تضعیف مبانی دینی، ایجاد حقارت و خود باختگی به ویژه در جوانان، نابود کردن احساس و غیرت دینی، ترویج کالاهای تجملی، توزیع فیلم های بدآموز، تقلیدگرایی در پوشش و مسکن و دیگر برخوردهای اجتماعی و....

مسلمان ها باید در برابر این گونه راه های هجوم ایستادگی داشته باشد و به اصالت و هویت اسلامی خود باقی مانده و باورهای دینی را تحکیم کنند. نیازهای اقتصادی، اجتماعی و دیگر نیازها را، خود تأمین نمایند و راه نفوذ تبلیغات سوء دشمن را در صدا و سیما و مطبوعات خود مسدود کنند (العالمی، ۱۳۷۱: ۴۹).

همبستگی اجتماعی

الف) احترام به انسان: انسان در تفکر شیعی به عنوان جانشین خدا در زمین، برخوردار از روح خدایی، فطرت پاک، شرافت ذاتی و کرامت نفسانی و صاحب عقل و اختیار مطرح بوده و گل سر سبد هستی به شمار می آید، به طوری که همه پدیده ها و موجودات آسمانی و زمینی برای او آفریده شده و در خدمت اویند تا وی با بهره وری مناسب و بجا از آنها به آرمانهای انسانی اش جامه عمل بپوشاند و به کمالات

معنوی و «حیات طیبه قرآنی» برسد، انسان نسبت به سایر موجودات نقش محوری دارد. در این جهات و ویژگیهای روحی - ذاتی و ساختار آفرینش تکوینی، همه انسانها از هر نژاد، ملیت و دارای هر نوع عقیده و افکار، مشترک و مساوی اند. به همین دلیل، همه انسانها دارای احترام و حرمت اند و از حق حیات و بهره مندی از مواهب طبیعی و تمتعات مادی برخوردارند، آیه سی و دوم سوره مائده حیات و مرگ تک افراد انسانی را برابر با تمام انسان های روی زمین را تاکید می کند: بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها (ی روی زمین) را کشته؛ و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است! (رجبی و پور امید، ۱۳۸۴: ۹۱).

این آیه، گرچه مربوط به نخستین قتل یک انسان بی گناه یعنی «هابیل» به دست برادرش «قابیل» است، ولی یک حکم و قانون کلی و جاوید درباره حرمت و ممنوعیت کشتن انسان و زشتی آن را در نزد خداوند بیان می دارد. از این رو، مورد قتل و یا مخاطب خاص (بنی اسرائیل)، در فراگیر بودن و جاودانگی چنین حکم و قانون الهی خدشه ای وارد نمی کند.

اما اینکه چرا و چگونه کشتن یک انسان برابر است با کشتن تمام انسانها، علامه طباطبایی بیان مفصلی دارد که اجمالش چنین است: تک تک انسانها، افراد یک نوع و شاخه های یک درخت اند، در نتیجه یک فرد از این نوع، از انسانیت همان ویژگیهایی را دارد که همه انسانهای روی زمین دارند. به بیان دیگر، انسانها همگی یک حقیقت اند، حقیقتی که در همه یکی است. از این رو، اگر کسی به یکی از انسانها سوء قصد کند، گویی به همه آنها سوء قصد کرده است؛ زیرا به انسانیت انسان و حقیقت انسانی، سوء قصد کرده است. همین طور است در جانب حیات و احترام گذاشتن به انسان و حیات و حریم او؛ چرا که حرمت و احترام به یک فرد انسان، احترام به انسانیت یا حقیقت انسانی است کهدر همه انسانها به یک میزان و برابر وجود دارد (رجبی و پور امید، ۱۳۸۴: ۹۲).

ب) محبت و دوستی در اسلام: یکی دیگر از خاستگاههای مهم همبستگی عمومی در اسلام، محبت، دوستی و اظهار عشق و علاقه به دیگران است و اساسا دین

در تفکر شیعی جز محبت، عشق و دلبستگی نیست. این محبت و دوستی، از محبت و عشق ورزی به محبوب حقیقی (خداوند متعال) و اولیای خاص او (پیامبر، ائمه اهل بیت(ع) و سایر اولیا و انبیا) آغاز می شود و در مراحل بعدی نسبت به مؤمنان و مسلمانان و دیگران ضرورت پیدا می کند:

وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ. (بقره: ۱۶۵) و آنان که ایمان آورده اند شدیدترین محبت، عشق و دوستی را به خدا دارند. البته این محبت و دوستی دوطرفه است و خداوند هم بندگان را دوست دارد: «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»: خدا آنها - مؤمنان - را دوست دارد و آنان - نیز - او را دوست دارند. به دلیل اهمیت محبت و دوستی است که رسول اکرم(ص) آن را از خداوند طلب می کند: خدایا! دوستی خودت و دوستی کسی که تو را دوست دارد و دوستی عملی که موجب دستیابی به محبت تو می شود، روزی من کن و دوستی خود را در نظر و ذائقه ام از آب خنک، گوارتر و عزیزتر گردان. امام محمدباقر(ع) نیز دین را برابر با محبت می داند و می فرماید: الدِّينُ هُوَ الْحُبُّ وَالْحُبُّ هُوَ الدِّينُ. دین همان محبت و محبت (نیز) همان دین است. مشهورترین (و شاید مهم ترین) صفت خداوند، رحم، شفقت و محبت است که در مشهورترین آیه قرآن یعنی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» متجلی شده است.

وجود فرهنگ هدایت گری، اصلاح طلبی، محبت، گذشت، چشم پوشی، تغافل در اسلام، حکم می کند که مسلمانان در روابط اجتماعی خود با یکدیگر و دیگران، این آموزه ها را پیاده کنند و بدین وسیله راه همبستگی ملی را هموار و روابط اجتماعی را تحکیم بخشند؛ آنان باید اصل تقدم رحمت، عطوفت و محبت بر قهر، غضب، برائت و دشمنی را ملاک عمل قرار دهند و در نتیجه، میان بدیهی ها و بدکاران تفاوت قائل گردند؛ به دیگر سخن گرچه از بدیهی ها و زشتیها به شدت بیزار بوده، از آن فرار می کنند ولی باید بدها و بدکاران را تا حد امکان با مهر و محبت و روشنگریهای خیرخواهانه به خوبیها فراخوانند و زمینه بازگشت به خوبیها و پیوستن به خوبکاران را برایشان هموار سازند(مدرسی طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۷۳-۱۷۲).

مشورت و مشارکت عمومی در تصمیم گیری ها

در قرآن کریم، مضاف بر اینکه یک سوره به نام «سوره شوری» آمده است، در آیات دیگری نیز به این مسئله پرداخته و از شهروندان خواسته تا در کارهای فردی و اجتماعی به اصل مشورت (= تبادل نظر با فرهیختگان) توجه کافی بکنند و حاصل این مشورت و مشارکت عمومی در تصمیم گیریها را که همان «خرد جمعی» است، به کار گیرند. قرآن در آیه ۳۸ از سوره شوری در وصف مؤمنان چنین می فرماید: وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ. و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق می کنند.

در آیه مزبور در قالب جمله خبری گفته شده که مؤمنان با یکدیگر مشورت می کنند. این که موضوع مشورت در قالب جمله خبری بیان شده، ضرورت و اهمیت رعایت اصل شورا در تصمیم گیریها را می رساند؛ یعنی مؤمنان باید در کارهایشان حتما با یکدیگر مشورت کنند. نکته دیگری که نشانگر اهمیت مسئله شورا است، همراه با نماز و انفاق آمدن آن است. در آیه ۲۳۳ از سوره بقره نیز درباره مسئله شورا چنین سخن رفته است: وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ... فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا. مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند... اگر پدر و مادر، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر بگیرند، گناهی بر آنها نیست.

در این آیه، از شیر گرفتن نوزاد، به توافق و مشورت پدر و مادر منوط شده است و در واقع به پدر و مادر دستور می دهد که در این مسئله باید با هم مشورت کنند. آیه شریفه به نکاتی دیگر نیز اشاره دارد که بیانگر اهمیت و ضرورت مشورت می باشد؛ از جمله اینکه خداوند درباره مسئله کوچک خانوادگی، آن هم مربوط به کسانی (پدر و مادر) که دلسوزی شان در این باره تردیدی نیست، امر به مشورت و همفکری می کند. از این نکته می توان نتیجه گرفت که در مسائل مهم اجتماعی که به سرنوشت جمعی برمی گردد، مشورت، همفکری و مشارکت همگان در تصمیم گیری بسیار ضرورت دارد (رجبی و پور امید، ۱۳۸۴: ۹۹-۹۷).

در آیه ۱۵۹ از سوره آل عمران، به صراحت به پیامبر اکرم(ص) دستور می دهد که با مسلمانان در کارها مشورت کن (وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ)؛ با این بیان، عصمت پیامبر(ص) و ارتباط مستقیم آن حضرت با وحی آسمانی، مانع از مشورت و همفکری پیامبر(ص) با مسلمانان نشده است. این در حالی است که پیامبر(ص) به عنوان عقل کل مطرح بوده و در پرتو وحی به مسائل احاطه علمی دارد؛ و هیچ کس در این جهات به شأن و رتبه او نمی رسد. با این حال آن حضرت در بسیاری از مسائل اجتماعی با مسلمانان مشورت می کرد. همچنین در نهج البلاغه آمده است: مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا. کسی که استبداد رأی داشته باشد (یعنی نظر هیچ کس جز خودش را نپسندد) هلاک می شود؛ و هر کس با مردان بزرگ مشورت کند، در عقل و دانش آنان شرکت می کند(نهج البلاغه، ۱۳۷۴). از مجموعه نکاتی که از آیات و روایات درباره ضرورت مشورت ذکر شده، می توان به صورت زیردسته بندی کرد:

- ۱ - مشورت با دیگران به منظور استفاده از دانش و تجربه آنان است؛
- ۲ - مشورت با دیگران، موجب شخصیت دادن به آنان و توجّه دادن به کرامتی است که خداوند به آنان داده است؛
- ۳ - موجب تفاهم، همفکری، همدلی، و زدودن سوء تفاهم و کدورتها می شود؛
- ۴ - مایه تقویت روحیه اجتماعی، روابط اجتماعی، همبستگی ملی و مشارکت عمومی می گردد؛
- ۵ - سبب شناسایی و پرورش استعداد های افراد و رشد فکری آنان می شود؛
- ۶ - حس همدردی و همکاری جمعی و مسئولیت پذیری در مسائل و رخدادهای زندگی فردی و اجتماعی را بالا می برد؛
- ۷ - مشورت با دیگران، موجب نجات آنان از فردگرایی، اجتماع گریزی، استبداد رأی و بی اعتنایی به افکار و آرای دیگران و بی توجهی به مسائل اجتماعی و مصالح جمعی است.

۸ - اصل مشورت نشانگر این واقعیت است که هیچ کس نمی تواند به تنهایی همه مسائلی را به صورت صددرد صد مطلوب و موفقیت آمیز، حل و فصل کند، بلکه نیازمند نقطه نظرات کارشناسان و خبرگان در مسائل می باشد. به بیان روشن تر، مشورت با دیگران، در صد آسیبهای فکری را پایین می آورد و در برابر، ضریب

اطمینان به درستی تصمیمات گرفته شده و نتیجه بخش بودن آنها را بالا می برد (لک زایی، ۱۳۸۹: ۱۸).

وحدت ملی و همبستگی ایمانی

در میان مسائل اجتماعی-فقهی، کمتر مسئله ای را می توان یافت که به اندازه وحدت و همدلی از آن سخن رفته باشد. دهها آیه قرآن (حدود صد آیه) و صدها روایت به طور مستقیم یا غیرمستقیم و با عبارتهای گوناگون، ضرورت وحدت ملی و همبستگی ایمانی و پرهیز از اختلاف و واگرایی را در جهت افزایش امنیت امت اسلامی گوشزد کرده اند (لک زایی، ۱۳۸۵: ۶۹). در اینجا برخی از آیات و روایات مربوط به آن ارائه می شود: و همگی به ریسمان خدا [= اسلام، قرآن و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید و پراکنده نشوید؛ و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دلهای شما، آلفت ایجاد کرد؛ و به برکت نعمت او، برادرشدید؛ و شما بر لب حفره ای از آتش (درگیری و اختلاف) بودید و خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید (آل عمران: ۱۰۳). مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ (آن هم) پس از آنکه نشانه های روشن (پروردگار) به آنان رسید و آنها عذاب بزرگی دارند (آل عمران: ۱۰۵).

در آیه بعد آمده است: «(آن عذاب عظیم) روزی خواهد بود که چهره هایی سفید و چهره هایی سیاه می گردد؛ اما آنها که صورتهایشان سیاه شده، (به آنها گفته می شود): آیا پس از ایمان، (و اخوت و برادری در پرتو آن) کافر شدید؟! پس بچشید عذاب را، به سبب آنچه کفر می ورزیدید! قرآن کریم به همین آیات اکتفا نکرده و برای ایجاد وحدت، پیامدهای تلخ تفرقه و اختلاف را به رخ مسلمانان می کشد و می فرماید: با یکدیگر نزاع و اختلاف نکنید که ناتوان می شوید و شوکت (= قدرت و اقتدار، صلابت و استواری) شما از میان می رود. همچنین قرآن کریم، خاستگاه تفرقه و اختلاف را، اغراض سوء و شیطانی تبهکاران و طاغوتها می داند. یکی از آنها فرعون است که قرآن کریم در معرفی اش می فرماید: فرعوندر زمین برتری جویی کرد و اهل آن را به گروههای مختلفی تقسیم نمود (و بدین وسیله میانشان تفرقه ایجاد

کرد و در نتیجه؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی کشانید، پسرانشان را سر می برید و زنانشان را (برای خدمتکاری و بهره وری) زنده نگه می داشت؛ او به یقین از مفسدان بود(نمل: ۲۴).

وحدت، فریضه ای اجتماعی و حافظ اجتماع و موجب کمال فرد است. خاستگاه اصلی آن «توحید» در اعتقاد و ایمان است. به همین دلیل، مسلمانان همچنان که برای رسیدن به «کلمه توحید» باید بکوشند، برای نیل به «توحید کلمه» نیز باید تلاش کنند. هیچ اجتماعی با تفرقه کلمه نمی تواند به «کلمه توحید» برسد. پس برای رسیدن به «کلمه توحید» باید به «توحید کلمه» رسید. چرا که به گفته علامه محمد حسین کاشف الغطاء: اسلام برای احیای کلمه توحید و توحید کلمه (یکتاپرستی و یکپارچگی) آمده است.

اهتمام به امور دیگران و حل مشکلاتشان

از دیگر آموزه های اجتماعی فقه شیعی برای ایجاد همبستگی ملی و مشارکت عمومی، اهتمام به امور دیگران و تلاش برای حل مشکلاتشان است. در این زمینه احادیث فراوانی نقل شده است. یکی از مشهورترین آنها، حدیث نبوی زیر می باشد که طی آن پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «هر کس صبح کند و اهتمام به امور مسلمانان نداشته باشد، از مسلمانی بهره ای ندارد». اهتمام به امور مسلمانان، یعنی خود را وقف مسلمانان کردن، در خدمت آنان بودن، کوشش برای گشودن گره های کور زندگی شان، در غم و شادی شان شریک شدن و اموری دیگر از این قبیل. به اقتضای این آموزه دینی، هیچ کس مجاز نیست که از دسترنج مسلمانان بخورد و به رنج آنان نیندیشد؛ و در میان مسلمانان زندگی کند، برای آنان دل نسوزاند، و برای خود بکوشد، برای مسلمانان نکوشد؛ و نام مسلمان بر خود نهد ولی کار مسلمانان بر زمین نهد. باری، بر پایه این حدیث، هیچ شهروند مسلمانی حق ندارد که تنها سر در لاک خود فرو برد و به خود اندیشد و دغدغه خود را داشته باشد و در بند خود باشد و بس، بلکه موظف است به دیگران نیز بیندیشد و دلهره دیگران را هم داشته باشد؛ و همان گونه که با یک دست به کار خویشتن می پردازد، با دست دیگر از دیگران دستگیری کند(لک زایی، ۱۳۸۵: ۸۱).

فریضه اهتمام به امور مسلمانان قلمرو کوششهای هر مسلمان را توسعه می دهد و او را از کوشش برای خود به کوشش برای دیگران برمی انگیزد و میان فرد و اجتماع پیوندی ناگسستنی برقرار می سازد. از جمله اهتمام به امور مسلمین می توان موارد زیر را نام برد:

الف) تلاش برای ایجاد صلح و آشتی میان مردم: مؤمنان برادر یکدیگرند، پس میان برادرانتان صلح و آشتی ایجاد کنید (حجرات: ۱۰). رسول اکرم (ص) نیز اصلاح میان مردم را حتی از صدقه، نماز و روزه مهم تر دانسته و فرمود: آیا شما را به کاری که درجه اش از روزه و نماز و صدقه برتر است آگاه سازم؟ اصلاح میان افراد، چرا که فساد میان کسان، موجب از هم گسیختگی است.

همان گونه که آتش افروختن آسان است و خاموش کردن آتش دشوار، آتش جدایی و نزاع میان مردم افروختن نیز آسان است و اصلاح و آشتی میان مردم برقرار ساختن دشوار. در اسلام جدایی و نزاع افکندن و به تعبیر قرآن «فتنه گری» میان مردم، گناهی بزرگ و حتی بزرگ تر و مخوف تر از کشتن انسانها شمرده شده و در برابر، اصلاح روابط افراد و زدودن کدورتها از میانشان بسیار سفارش و برای آن پاداشی بزرگ در نظر گرفته شده است. بر این اساس، هر مسلمان ضمن اینکه باید به اصلاح رابطه خود با دیگران بپردازد، باید درصدد اصلاح روابط اجتماعی میان شهروندان با یکدیگر نیز باشد. (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۴۱-۱۴۵).

ب) برآورده ساختن نیاز مردم: درباره ضرورت برآورده ساختن نیازهای مردم، روایات بسیاری از پیشوایان دینی (ع) رسیده است و حتی در برخی جوامع روایی، مانند اصول کافی و بحارالانوار، بابی با عنوان: «باب قضاء حاجة المؤمن» آمده است. در برخی از تعبیر در این روایات، پاداشهایی که برای برآوردن نیاز مردم در نظر گرفته شده، بسیار زیاد و فزون از شمار است و لذا تأمل انسان را برمی انگیزاند. به عنوان نمونه چند روایت نقل می شود. رسول خدا (ص) می فرماید: کسی که برای برادر مؤمنش نیازی را برآورد، مانند کسی است که خداوند را در تمام روزگار بندگی کرده است! امام رضا (ع) می فرماید: همانا خداوند در زمین بندگانی دارد که در راه برآوردن حاجت مردم تلاش می کنند. اینان روز قیامت در امان اند؛ و هر کس دل مؤمنی را شاد کند، خداوند روز قیامت دلش را شاد سازد (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۸۰).

ج) **خدمت رسانی به مردم:** واژه «خدمت» همه نوع کمک به مردم را دربرمی گیرد. گذشت، فداکاری، ایثار، تحمّل رنج و سختی در راه کمک به مردم و بلکه هر نوع کار و اقدامی که به نوعی سودش به مردم می رسد، می تواند زیر عنوان «خدمت رسانی به مردم» جای بگیرد. از نظر اسلام، خدمت به همه مردم و نوع بشر عمل شایسته است و محدود به گروه یا اشخاص خاصی نمی شود. رسول خدا(ص) این مفهوم را چنین بیان داشته اند: پس از دین (و ایمان به خدا)، بشر دوستی و نیکی و خدمت به مردم، اعم از درستکار و بدکار، سرآمد تمام کارهای عاقلانه است.

امیرمؤمنان علی(ع) نیز می فرماید: کارهای نیک (و خدمت رسانی) خود را برای همه مردم به کار بر، براستی که هیچ چیز نزد خدای سبحان، با فضیلتِ کارهای نیک (و سودرسانی به مردم)، برابری نمی کند. بنابراین بر پایه اینگونه روایات، خدمت کردن محدودیتی ندارد(طباطبایی، ۱۳۸۰: ۵۴). در برخی دیگر از روایات، خدمت کردن با قید «مؤمن یا مسلم» آمده است. رسول اکرم(ص) معتقد بودند که هر مسلمانی به جماعتی از مسلمانان، خدمت کند، خداوند به شماره آنان در بهشت برایش خدمتگزار می گمارد. شخصی به نام جمیل گوید: از امام جعفر صادق(ع) شنیدم که فرمود: «مؤمنان خدمتگزار یکدیگرند. عرض کردم: چگونه خدمتگزار یکدیگرند؟ فرمود: به یکدیگر سود می رسانند.

از این دو دسته روایات به دست می آید که خدمت، ارزش ذاتی دارد. گرچه اهمیت خدمت به مسلمانان بیشتر و ارزشمندتر از خدمت به دیگران است. خدمت به غیر مسلمانان، علاوه بر حقوق انسانی که آنها به گردن ما دارند، به جهت تألیف قلوب و جذب آنها به اسلام ارائه می شود. به همین دلیل در متون دینی و فقهی، جایگاه ویژه ای دارد و حتی در زکات سهمی از آن را بدین منظور قرار می دهند.

بر همین اساس دولت جمهوری اسلامی به برخی از کشورهای غیراسلامی در حوادث ناگوار همچون سیل، زلزله، قحطی و... کمکهای بشردوستانه و بلاعوض اهدا می کند؛ همچنان که آنها نیز چنین کمکهایی را در مواقع لزوم به ما ارائه می کنند. بنابراین، فراخوان اسلام مبنی بر اهتمام به امور مردم از سوی شهروندان مسلمان، با آن قلمرو گسترده ای که این آموزه دینی دارد، اگر به اجرا درآید به طور مسلم جلوه ای

باشکوه از همبستگی ملی و مشارکت عمومی را به نمایش خواهد گذاشت و پیوندهای اجتماعی را استحکام خواهد بخشید.

تعاون و همکاری در کارهای خیر و نیکی

تعاون و همکاری در کارهای خیر و گریز از همکاری و مشارکت در کارهای شر و بد، از دیگر تعالیم فقه اجتماعی شیعه در زمینه ایجاد امنیت است. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: و (همواره) در راه نیکی و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید و (هرگز) در راه گناه و تجاوزگری (تجاوز به حقوق دیگران) با هم همکاری ننمایید (مائده: ۲).

سفارش همدیگر به حق و صبر و نیز رحمت و مهربانی: (نمونه ای از تعاون و همکاری در کارهای نیک است). قرآن در یکی دیگر از این گونه آیات چنین فرمود: ای کسانی که ایمان آورده اید! شکیبا باشید و همدیگر را به شکیبایی وادارید. از مرزهایتان نگهبانی کنید. از خدا بترسید تا رستگار شوید (آل عمران: ۲۰۰).

مراد از «اصبروا»، صبر فردی و منظور از «صابروا» صبر اجتماعی است. روشن است که صبر و تحمل اجتماعی بالاتر از صبر فردی است؛ زیرا در پرتو همکاری اجتماعی، توان و قدرت افراد به یکدیگر پیوند خورده، نیروی عظیمی را به وجود می آورد. کلمه «رابطو» از نظر معنی وسیع تر از معنای «صابروا» است؛ چرا که هدف این است که مؤمنان، در هر حال (آسایش و سختی) قدرتهای معنوی خود را هم جهت کرده و تمامی امور زندگانی خویش را در پرتو همکاری سامان دهند و سعادت واقعی خود را در پرتو همکاری اجتماعی در کارهای خیر و رشد دهنده و دوری از کارهای بد و انحطاط آور، بجویند. نیز در آیه دیگری (نور: ۶۲)، به یکی دیگر از جلوه های تعاون و همکاری اجتماعی، یعنی مشارکت در فعالیتهای جمعی و حضور فعال در آن اشاره دارد و تأکید می کند که مؤمنان راستین هرگز از این گونه مشارکتهای عمومی و فعالیتهای اجتماعی کناره نمی گیرند (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۶۱-۱۶۰).

یاری دادن دیگران در کارهای خیر، در روایات فروانی نیز مورد ستایش قرار گرفته است. امام علی (ع) آن را موجب افزایش روزی می داند. و در سخنی دیگر می فرماید: «بهترین برادران تو کسی است که با خیر و نیکی اش تو را یاری دهد و بهتر از او

کسی است که تو را از دیگران بی نیاز سازد». نیز در سخنی دیگر همه مردم را نیازمند یکدیگر دانسته و این نیاز را همیشگی و همچون نیاز انسان به اعضا و جوارحش معرفی می کند و به همین دلیل ها توصیه می فرماید که از خدا نخواهند که آنان را از مردم بی نیاز گرداند. بنابراین، اگر در لایه های زیرین جامعه، این همکاری و همیاری به همنوعان خویش نهاده شده، شاهد جامعه ای یکدست، یک رنگ و منسجم خواهیم بود که کمتر افراد جامعه احساس رنج، درد و گرفتاری فردی و اجتماعی می کنند (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۶۱-۱۶۰).

نتیجه گیری

فقه سیاسی عرصه مسائل نوپیدا و حوادث واقعه است و در این میان، قواعد فقه سیاسی نقش ویژه ای در پاسخ گویی به این مسائل دارد. این قواعد راهکارهایی کلی، قابل فهم و انسجام یافته برای استفاده همگان ارائه داده و آشنایی با آنها حاکمان را نیز به پیروی از آن اصول و مقررات وادار می کند. محقق در فصول گذشته به تشریح کلیات، مبانی مفهومی و ادبیات تحقیق و همچنین پیشینه تحقیق پرداخته است. بر اساس نتایج حاصل از تحقیق می توان گفت که بهترین راه شناخت ابعاد امنیت در فقه شیعه، رجوع به منابع اولیه اسلامی است. قرآن کریم اولین منبع احکام اسلامی است که امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و استخلاف صالحان و طرح امامت می شمارد و نیز احساس امنیت را از خصایص مؤمن معرفی می کند. بررسی احادیث و سخنان فقیهان شیعه، مشخص می سازد که فقه شیعه از یک طرف وجود امنیت را در داخل بلاد اسلامی و حتی در درون فرد مسلمان ضروری می داند و از سوی دیگر، به جنبه خارجی امنیت در سرزمین های اسلامی توجه دارد و در همین راستاست که مسلمانان را از مداخله و سازش با دشمن بر حذر می دارد و در عین حال، به انعقاد پیمانهای صلح عادلانه با دشمن تاکید می نماید.

در فقه شیعه حفظ و تامین امنیت از وظایف حکومت اسلامی است و حاکم اسلامی وظیفه حفظ کیان مملکت اسلامی از سلطه بیگانه بر فرهنگ و سیاست و اقتصاد جامعه را دارد و باید حافظ استقلال کشور و نظم و امنیت در جامعه باشد تا بدین ترتیب زمینه لازم برای ترویج شریعت اسلامی فراهم شود. در متون فقهی شیعه نیز

به این مسئله توجه ویژه شده است و فقها از عباراتی نظیر «حفظ بیضه اسلام» که از آن می توان حفظ وطن و شریعت اسلامی تعبیر کرد، استفاده می کنند و در ابواب مختلفی از کتب فقهی خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مباحث امنیتی اشاره کرده اند. ابواب فقهی نظیر جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، قضاء، غصب، حدود و دیات، لقطه و قصاص، حاوی ملاحظات امنیتی زیادی است. در این زمینه حضرت علی(ع) وظیفه حکومت را سه چیز اعلام می دارد: ۱- اصلاح اهل ۲- عمران بلاد ۳- حفظ ثغور. که با این تفاسیر به نظر می رسد در اندیشه اسلامی، مفهوم امنیت بر اساس رویکرد سلبی، یعنی رهایی از تهدید تعریف می شود. اصولا اسلام هر نوع ایجاد وحشت و هراس را در درون انسانهایی که مرتکب خلافی نشده اند، ظلم و تجاوزی بس بزرگ تلقی می کند. امنیت جان و مال و عمل و حقوق و آزادیهای مربوطه، شخصیت و شرف و حیثیت و مسکن، از تاکیدات اسلام است، ضمن اینکه امنیت در فقه شیعه نیز، اختصاص به صالحان و افرادی دارد که مرتکب خلافی نشده و در مسیر انجام وظیفه اند و در مقام احترام به قانون هستند و اما آنها که در مسیر خلافند و یا مرتکب بزه و جرم شده اند، به دلیل ماهیت عملکردشان، از حق امنیت محرومند.

در نهایت می توان گفت که سنت مطالعات فقهی امنیت از ویژگیهای زیر برخوردار است: اولین ویژگی، جامعیت این سنت مطالعاتی است؛ این جامعیت در موارد متعددی، ازجمله جامعیت و فراگیری نسبی نسبت به ساحات، سطوح، موضوعات و قلمروهای امنیت؛ فراگیری نسبت به همه رفتارها؛ جامعیت و فراگیری نسبی نسبت به تهدیدات و امنیت سخت و نرم؛ جامعیت و فراگیری نسبی نسبت به امنیت ایجابی و سلبی؛ جامعیت و فراگیری نسبی نسبت به نخبگان و توده مردم؛ و جامعیت و فراگیری نسبی نسبت به کارگزاران امنیت و تهدید خود را نشان می دهد. از سوی دیگر، رواج گفتمان فقهی در جوامع اسلامی و در نتیجه اثرگذاری بیشتر، به ویژه از منظر تبعیت از فرامین رهبران مذهبی، چه به لحاظ حکم حکومتی و چه به لحاظ فتوا، از دیگر ویژگیهای این سنت است. روشمند بودن، نظاممند بودن، هدفمند بودن و عملیاتی و عینی و در نتیجه توجه عمده به مظاهر و شاخصهای تهدید و امنیت، از دیگر ویژگیهای این سنت مطالعاتی است.

پیشنهادهای پژوهش

- آشنا کردن مسئولین امنیتی کشور مخصوصاً نیروی پلیس با اهمیت امنیت، اصول و مبانی آن از دیدگاه شرع و فقیهان شیعه و پیدا کردن مهارت لازم جهت بکارگیری آن.
- بررسی امنیت و تاثیر آن در جامعه بشری، تاثیر بین المللی، ملی، فردی و آن و نقش آن در تحقق آمال های انسانی خصوصاً آمال جامعه اسلامی و رسیدن در حد قابل قبول آن.
- تبیین ارزش امنیت و توجیه افراد نسبت به عملی که انجام می دهند تا باعث تقویت اعتقادی و عملی آنان گردد.
- فرهنگ سازی در افراد جامعه مخصوصاً جوانان در جهت کوشش و تلاش، حفظ و نگهبانی از امنیت و درونی کردن راهکارهای احساس امنیت که در اسلام و متون شیعه به آنها اشاره شده است.
- تبیین تاثیر امنیت در طول تاریخ برای برقراری جامعه ای ایده آل و قابل قبول که در آن انسانها بتوانند به راحتی به زندگی خویش ادامه دهند.
- بکارگیری توصیه های امنیتی فقیهان شیعه در حوزه حکومتی در جهت افزایش امنیت عمومی جامعه.
- بررسی ابعاد سیاسی و اجتماعی امنیت از دید فقیهان اهل سنت.
- مقایسه تفاوت ابعاد سیاسی و اجتماعی امنیت از دیدگاه فقه شیعه و اهل سنت.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه (۱۳۸۴)، ترجمه سید جعفر شهیدی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، تهران.
- الف) کتاب ها
۳. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۴)، اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا ابن خلدون، تهران، انتشارات سروش.
۴. آشوری، داریوش (۱۳۸۶)، دانشنامه سیاسی، تهران، انتشارات مروارید.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۰)، **علل الشرایع**، ترجمه هدایت الله مسترحمی، قم، انتشارات مومنین.
۶. ابن منظور، ابوالفضل و جمال الدین، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، **لسان العرب**، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ترجمه احمد قادریان، قم، انتشارات رضی.
۷. العاملی، زین الدین (۱۳۷۱)، **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة اللمعة الدمشقیة و الروضة البهیة**، کتاب القضاء، ترجمه حسین جناتی، قم، نشر روح.
۸. الزبیدی، محمد مرتضی (۱۳۷۹)، **تاج العروس**، قم، نشر رجحان.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۵۶)، **ترمینولوژی حقوق**، تهران، انتشارات ابن سینا.
۱۰. جعفریان، رسول (۱۳۸۹)، **اندیشه های یک عالم شیعی در دولت صفوی**، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. جوهری، اسماعیل (۱۳۸۹)، **الصحاح**، جلد ۴، ترجمه احمد عبد الغفور عطار، نشر دار العلم للملایین، قم.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۹)، **وسائل الشیعه**، میرزا حسن نوری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، علی (۱۳۸۰)، **الحیاه**، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۴. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵)، تحریر الوسیله، ترجمه موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۵. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۳)، صحیفه نور، (منشور روحانیت)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۶. راغب اصفهانی (۱۳۸۸)، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه سید احمد اسفندیاری، قم، انتشارات عسگریه.
۱۷. ربیعی، علی (۱۳۸۷)، مطالعات امنیت ملی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۸. رکابیان، رشید (۱۳۸۹)، امنیت ملی ایران از دیدگاه فقههای معاصر، رساله کارشناسی ارشد.
۱۹. سینا، حسین (۱۳۸۰)، نگاهی به اندیشه سیاسی شیعی در گذر زمان، به کوشش حسن یوسفی اشکوری، تهران: نشر یادآوران.
۲۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۸۸)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. طباطبایی، علامه سید محمد حسین (۱۳۷۵)، بدایه الحکمه، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. فاضل هرنندی، محی الدین (۱۳۸۵)، کتاب البیعه، جلد دوم، قم، انتشارات بوستان کتاب.
۲۴. کاظمی، علی اصغر (۱۳۸۹)، نقش قدرت در روابط بین الملل، نشر قومس، تهران.
۲۵. لکزایی، نجف (۱۳۸۹)، چالش سیاست دینی و نظم سلطانی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم.
۲۶. محمدیان، سید ابراهیم (۱۳۸۷)، تاریخ فقه و فقههای امامیه، تهران، انتشارات صدرا.

۲۷. مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۷۸)، **مقدمه‌ای بر فقه شیعه (کلیات و کتاب‌شناسی)**، ترجمه محمد آصف فکرت، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس، مشهد.

۲۸. مهریزی، مهدی (۱۳۸۹)، **فقه پژوهشی**، جلد اول، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ج) منابع لاتین

۲۹. AKman, Hakan, Demirel, Mehmet (۲۰۰۶), Security in Islam (intellectual approach), Journal of Political and Social Sciences, National University of print Armenia, P: ۱۳, No. ۵۴.
۳۰. Mitar, miran (۱۹۹۶) Assessment of societal security in recent past and today, college of police and security studies Slovenia / www.ncjrs.org/internet.

Review political aspects - Social Security Shia political jurisprudence

Asadollah Pazokian ^۱ Abdolreza Nazeri^۲ Mohammad Taher Sheikhi^۳

۱- Professor and member of the faculty Department of Political Science,
Islamic Azad University of Shahreza

۲- PhD student of Political Science, Department of Political Science,
Islamic Azad University of Shahreza

Corresponding Author Email: as.pazokian@yahoo.com

Abstract

The aim of this study was to examine the socio-political aspects of security are Shiite political jurisprudence. This analytical survey documents. The data that the tool library taking notes from books, articles, and more information is gathered. According to security research and have a need for personal and social life of nations, states and governments of all the facilities of motoring in order to extend it to apply. Islam and the Islamic system is no exception to this rule, and security is one of the most important pillars in Islam and political jurisprudence charge of internal and external relationships with Muslims based on justice and equity. Also referring to religious sources and the evidence is clear that the

essence of Islam "Hello" and Islamic traditions safety and safe source listed. Accordingly, given the importance and dignity and human dignity in Islam, the most important aspects of political and social security in Shiite jurisprudence, Supply and providing active representation and committed individuals and social institutions, in the political arena based on divine teachings and maintain the honor of the Muslim Nation.

Keywords: jurisprudence, security, political security, social security, Shiite political jurisprudence.